



Two Quarterly Scientific
Doubt-research Journal
of Quranic Studies

Two Quarterly Scientific
Doubt-research Journal of
Quranic Studies

ISSN Print: 2980-7727
Online: 2717-3879

An Analysis of the Interpretation of Qur'anic Verses Related to the Gender of the Fetus, with Answers to Doubts

Samad Esmi Qayabashi ¹

1. Assistant Professor, Faculty of Holy Quran Sciences and Education University, esmi@quran.ac.ir

Abstract

One of the issues that humanity has long been curious to know is the gender of fetus before birth. Today, with the advancement of human sciences, the fetus's gender is determined from the moment of fertilization. Deniers and opponents have challenged verses 37-39 of Surat al-Qiyamah, which outline some stages of fetal development, claiming that these verses stipulate determining the fetus's gender after the clot stage (Alaqah). They also believe that knowing the fetus's gender, as stated in the verse, "He knows what is in the wombs," is the exclusive domain of God. However, the fetus's gender can be determined before birth, if it is male or female, thus, these issues in the Qur'an conflict with modern science. Using a critical-analytical approach and sound interpretive methods, this study concluded that in verses 37-39 of Surat al-Qiyamah, two opinions have been put forward among interpreters: one is that the pronoun in "fa ja'ala minhu" (then made of it/him) refers to man, and in another view, to the sperm. According to the Holy Qur'an, the sperm is the first step of embryo formation. Some verses refer to the gender of the embryo at the sperm stage (Nutfah), not at the clot stage (Alaqah). The Almighty's statement, "He knows what is in the wombs," means detailed knowledge and complete comprehension of all the characteristics in all wombs. This knowledge is exclusive to God and does not conflict with general knowledge of certain aspects of the fetus.

KEYWORDS: Sperm, Clot, Nutfah, Alaqah, Doubt about Determining the Gender of the Fetus.

Research Article



Received: 2024-09-26; Received in revised from: 2024-11-28; Accepted: 2024-12-04; Published online: 2025-03-10

©The Author(s). Published by: Department of Qur'anic Exegesis and Sciences



shobhe.quran.ac.ir

واکاوی تفسیر آیات قرآن درباره جنسیت جنین با پاسخ به شبهات

صمد اسمی قیه باشی^۱

۱. استادیار، هیات علمی دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، esmi@quran.ac.ir

چکیده

یکی از مسائلی که بشر از دیرباز کنجکاو بوده است که از آن اطلاع پیدا کند، آگاهی از جنس جنین قبل از ولادت است. امروزه با پیشرفت علوم بشری، جنس جنین از زمان آغازین لقاح و باروری مشخص می‌گردد. منکران و معاندان آیات ۳۹-۳۷ سوره قیامت را که به برخی مراحل رشد جنین، تصریح کرده است با چالش مواجه نموده‌اند و مدعی‌اند که این آیات تعیین جنس جنین را بعد از مرحله علقه بیان نموده‌اند. همچنین معتقدند آگاهی از جنس جنین در عبارت قرآنی «یعلم ما فی الارحام» از علم انحصاری خداوند دانسته شده؛ درحالی‌که می‌توان از جنسیت جنین، قبل از تولد آگاهی پیدا کرد و این مسائل در قرآن با علم امروزی در تعارض است. پژوهش حاضر با روش تحلیلی-انتقادی و با بهره‌گیری از روش‌های صحیح تفسیری به این نتیجه رسید که در آیات ۳۹-۳۷ سوره قیامت دو دیدگاه میان مفسران مطرح شده است: یکی اینکه ضمیر در «فجعل منه» به انسان و در دیدگاهی دیگر به نطفه برمی‌گردد. از نظر قرآن کریم مرحله نطفه، اولین مرحله شکل‌گیری جنین است و برخی آیات به جنس مذکر و مؤنث بودن جنین در مرحله نطفه اشاره دارد نه مرحله علقه. عبارت «یعلم ما فی الارحام» به معنای آگاهی تفصیلی و احاطه کامل با تمام خصوصیات در همه رحم‌هاست که منحصر به علم خداوندی است و با علم اجمالی به برخی از امور جنین در تعارض نخواهد بود.

کلیدواژه‌ها: نطفه، علقه، شبهه تعیین جنسیت جنین، شبهات علقه.

۱. طرح مسئله

جنین‌شناسی شاخه‌ای از علم آناتومی (Anatomy) است که به مطالعه تکوین بدن انسان از ابتدای سلول تخم تا تولد یک نوزاد می‌پردازد. گروهی از دانشمندان تا قرن نوزدهم، تصویر هومونکولوس (Homunculus) را به عنوان تصویری نمادین از باروری مطرح می‌کردند. هومونکولوس یعنی کوتوله یا ریز موجود یک شکل و بدون داشتن قسمت‌های مختلف بدن (به تعبیر ساده‌تر، انسان بالقوه) که به صورت چمباتمه زده در «مایع منی» مرد وجود دارد و حتی جنس نوزاد به شکل دختر یا پسر مینیاتوری از همان ابتدا مشخص است که با ورود «منی» مرد به داخل رحم زن، رشد این ریز موجود آغاز می‌شود. طبق این نظریه که تحت عنوان تئوری پیش سازی (Preformed Idea) نیز شناخته شده بود. مرد حاوی ماده تولیدمثل است و زن فقط نقش ظرف و جایگاهی برای رشد جنین را بر عهده دارد. بر اساس این دیدگاه در روند تکامل جنین، هیچ چیز جدیدی به وجود نمی‌آید و تکامل آن جز به معنای ظهور و شکوفایی آن نیست (نور محمدی، ۱۳۸۸ ش: ۸).

پس از اختراع میکروسکوپ در سال ۱۶۷۷ م. «لیون هوک» (Lion Hook) و «هام» (Ham) به وجود اسپرم در منی انسان پی بردند و در قرن هیجدهم سپالانزانی (Spallanzani) و ولف (Wolf) در پی آزمایش‌های بسیار، روشن ساختند که زن و مرد هر دو در پیدایش جنین نقش آفرینند. «ولف» معتقد بود که جنین به صورت کامل نه در اسپرم وجود دارد و نه در اوول بلکه در آغاز کاملاً بسیط است، سپس به تدریج رشد نموده و دارای اجزاء و اعضای مختلف می‌شود. در سال ۱۸۲۹ «شلیدن» (Schleiden) و «شوان» (Schwan) اعلام کردند که موجودات زنده، مرگب از یاخته‌ها می‌باشند. این دیدگاه زیربنای تشریح، بافت‌شناسی و رویان‌شناسی جدید قرار گرفت و در سال ۱۸۵۹ م. دانشمندان به این نتیجه رسیدند که اسپرم و اوول چیزی جز همین یاخته‌های حیاتی نیستند. در سال ۱۸۷۵ م. برای اولین بار «هرتویگ» (Hertwig) توانست چگونگی لقاح (Fertilization) اسپرم و اوول را مشاهده کند و ثابت نمود که هر دوی آن‌ها در تکوین تخم (Zygote) مؤثرند و در سال ۱۸۸۳ م. «وان بندن» (VanBeneden) ثابت کرد که آن دو در تکوین جنین نقشی برابر دارند (شاکرین، ۱۳۷۵ ش، ۲۳؛ نورمحمدی، ۱۳۸۸ ش، ۸)؛ بنابراین، تا قرن هیجدهم در علوم بشری تفسیری دقیق از چگونگی شکل‌گیری جنین در دست نبود؛ اما آیات قرآن کریم در باب پیدایش جنین، حقایق اساسی را با بهترین

اصطلاحات و درعین حال ساده‌ترین بیان ارائه نموده است (البار، ۱۴۱۵م: ۱۸۵-۱۹۰ با تلخیص).

در آیات و روایات با الفاظ بسیار روشن به موضوع پیدایش جنین و نقش مشترک زن و مرد و تعیین جنسیت جنین پرداخته شده است؛ درحالی‌که دانش امروزی توانست در قرن هیجدهم و پس از ابطال نظریات و باورهای نادرست به نظریه صحیح دست یابد. شاید اگر شکاف عمیق و ناآگاهی غرب در قرون وسطا از آموزه‌های دین اسلام نمی‌بود، بسیار زودتر از قرن هیجدهم، بشر با واقعیت پیدایش جنین و روند تکامل وی آشنا می‌گردید.

قرآن کریم آفرینش انسان در جنین را به شش مرحله تقسیم نموده است: نطفه، علقه، مضغه، استخوان بندی و اسکلت بندی، پوشاندن استخوان با گوشت و عضله و دمیدن روح در جنین (مؤمنون/۱۴). در بیان قرآن کریم مرحله نطفه مرحله آغازین شکل‌گیری جنین است که این مرحله از حساس‌ترین مراحل رشد جنین است؛ چون جنین دارای حجم بسیار کوچکی است به‌ویژه در هفته‌های اول بارداری و به همین دلیل به آسانی قابل مشاهده نبوده و فحص و بررسی و چگونگی استقرار آن در رحم بدون داشتن تجهیزات و ابزار میکروسکوپی امکان‌پذیر نیست. تا قرن‌های طولانی قبل از اکتشاف میکروسکوب در قرن ۱۷ میلادی هیچ فهم درستی از نقش زن و مرد در تکوین و شکل‌گیری جنین وجود نداشت؛ درحالی‌که قرآن کریم که تاریخ آن به قرن هفتم میلادی برمی‌گردد به عنوان منبع و حیانی مراحل مختلف و متمایزی را برای جنین بیان می‌کند. مهم‌ترین عملیات و رخدادهایی که در داخل رحم برای هر مرحله جنین اتفاق می‌افتد با نام‌گذاری‌ها و اصطلاحاتی به بررسی جنین می‌پردازد که این اصطلاحات قرآنی با نهایت دقت و شگفت‌انگیز تمام شروطی را که اصطلاحات دقیق علمی آن را ایجاب می‌کند، داراست (زندانی، ۱۴۳۲ق: ۳۳).

آگاهی از جنسیت جنین و یا تعیین زمان آن یکی از مسائل مهم دوران جنین محسوب می‌شود که بشر از دیرباز کنج‌کاو بوده است تا راه دستیابی بدان پیدا کند. برخی آیات قرآن کریم نیز درباره خلقت جنین و مراحل آن به نر و ماده بودن اشاره نموده است. سؤال این است آیا می‌توان بر اساس آیات قرآن از زمان تعیین جنس جنین اطلاع پیدا کرد و آیا علم آگاهی آن انحصار به خداوند است؟ آیا آنچه در این خصوص قرآن کریم بیان کرده است با علم امروزی که برخی حقایق جنین را روشن نموده است، در تعارض است یا با آن هماهنگی کامل دارد؟ و

سؤالاتی از این قبل که این پژوهش درصدد پاسخ بدان است.

۲. پیشینه پژوهش

هم‌زمان با نزول قرآن کریم از جانب معاندان و منکران شبهاتی علیه قرآن کریم نیز مطرح بوده است و مسلمانان متعهد و مؤمن نیز در طول تاریخ درصدد پاسخ به آنان و دفاع از ساحت مقدس قرآن کریم برآمده‌اند. برخی هم‌زمان با پیشرفت علم در قرن معاصر، شبهاتی درباره قرآن کریم به‌ویژه درباره آیات علمی قرآن مطرح نموده‌اند. اندیشمندان مسلمان نیز در کتاب‌ها و مقالات متعددی به شبهات آنان پاسخ داده‌اند.

طرح این‌گونه مباحث از چند جهت اهمیت دارد: از یک طرف ابعاد جدیدی از آموزه‌های علمی قرآن کریم را روشن می‌نماید که میان پژوهشگران و مفسران قرآنی اختلاف نظر وجود دارد و از طرف دیگر با تبیین حقایق قرآنی، موجب دلگرمی و تشویق مسلمانان نسبت به ساحت مقدس قرآن کریم و آشکار شدن حقیقت بر مخاطبان می‌گردد. با توجه به گستردگی آثار اندیشمندان و مفسران درباره آیات علمی قرآن، در اینجا به‌طور مختصر کتب و مقالاتی که به شبهات مطرح‌شده درباره کتاب نقد قرآن دکتر سها پرداخته‌اند؛ معرفی می‌گردد.

پژوهش و تحقیقاتی که درباره کتاب نقد قرآن نوشته‌اند به دو بخش می‌توان تقسیم نمود: برخی از این پژوهش‌ها عام و کلی بوده است و به نقد روش و مبانی و منابع مورد استفاده مؤلف پرداخته‌اند. پژوهش‌های دیگر نیز به صورت موردی یا موضوعی به شبهات مطرح‌شده پاسخ داده‌اند.

۱. رضایی اصفهانی (۱۳۹۵ش) در مقاله «بررسی مبانی نقد قرآن» بر اساس مبانی و قواعد صحیح تفسیری، روش و پیش‌داوری و پیش‌فرض‌های غلط و چگونگی بهره‌مندی از منابع غیر معتبر کتاب نقد قرآن را به چالش کشیده و به برخی شبهات مطرح‌شده نیز پاسخ داده است.

۲. حیدری نسب (۱۳۹۴ش) در مقاله «دفاع از قرآن در رد کتاب نقد قرآن» سعی نموده است به روش ساده و به اجمال شبهاتی که در کتاب نقد قرآن آمده است را پاسخ دهد؛ اما پاسخ‌ها به قدری کلی است که مخاطب را در برخی موارد اقناع نمی‌نماید.

۳. اسمی قیه‌باشی و زاهدی (۱۴۰۰ش) در کتاب نقد و بررسی شبهات مرتبط با آیات جنین در قرآن کریم «شبهات مربوط به آیات جنین را بررسی نموده که برخی از این شبهات نیز مربوط به کتاب نقد قرآن است و این پژوهشگر بر اساس مبانی

و قواعد تفسیر و با توجه به منابع مهم فهم قرآن کریم شبهات ایشان درباره آیات جنین را نقد نموده است. از مزایای این کتاب علاوه بر بهره‌گیری از معیار صحیح تفسیری استفاده از دستاورت علوم پزشکی در نقد شبهات است.

۴. رضایی و میر عرب در مقاله «بررسی شبهات دکتر سها در مورد هفت آسمان در قرآن کریم به طور اختصاصی شبهه علمی درباره هفت آسمان پرداخته و دیدگاه مختلف مفسران را گزارش نموده‌اند.

۵. رضایی اصفهانی و فراهی بخشایش (۱۳۹۳ش) در مقاله «سازگاری قرآن و علوم طبیعی از منظر مستشرقان» برخی مباحث قرآن از جمله: کیهان‌شناسی، زیست‌شناسی و علم پزشکی را مورد بررسی قرار داده و سعی نموده‌اند، برخی آیات در این موضوعات را با علوم طبیعی سازگار جلوه دهند و نظرات مستشرقان موافق سازگاری قرآن و علوم طبیعی را نیز گزارش داده‌اند.

۶. رضایی اصفهانی و راهی (۱۳۹۵ش) در مقاله «بررسی شبهات قرآن و علم و شیوه برخورد با آن‌ها با تأکید بر نظریات معرفت و دکتر سها» به طور کلی شیوه بیان شبهات مربوط به قرآن و علم از طرف سها مطرح و همچنین نحوه و چگونگی برخورد با شبهات از جانب آیت‌الله معرفت نیز بیان می‌گردد.

درباره جنسیت جنین و آگاهی از آن نیز مقالاتی نوشته شده است که ارتباط با موضوع این پژوهش دارد نیز اشاره می‌گردد:

۱. میثاقی نژاد و همکاران (۱۳۹۴ش) در مقاله «جستاری در قرآن با موضوع تعیین جنسیت جنین و اخلاق با رویکرد رفع تعارض علوم تجربی و دین» سعی نموده‌اند میان مشیت و علم و اراده الهی با پیشرفت‌هایی که بشر در علم تجربی به دست آورده است، هماهنگی ایجاد کنند و به این نتیجه رسیده‌اند که بشر با توجه به اختیارات و اشرف مخلوقات بودن، توانایی که خداوند بدو اعطا کرده است، پس از ایجادشی که منحصرأ متعلق به خداوند است، قابلیت هرگونه تغییر و یا تکمیل در روند خلق و آفریده شدن را خواهد داشت اما به رعایت نکات اخلاقی و حفظ حرمت و حریم‌های شرعی نیز تأکید دارند تا جامعه از انحراف یک جنسی (مذکر و یا مؤنث) بودن جلوگیری شود.

۲. طاهر خانی (۱۳۸۷ش) در مقاله «تکنولوژی تعیین جنسیت جنین» دیدگاه‌های مختلف درباره استفاده از تکنولوژی درباره ترجیح جنسیتی را گزارش نموده و نتیجه گرفته است که دلایل موافقان و مخالفان ترجیح جنسیتی با استفاده از تکنولوژی نارسا بوده و جواز مشروط و محدود به شرایط استفاده از این تکنولوژی تأکید دارد.

۳. تحقیق دیگر درباره جنسیت جنین تحت عنوان «قرآن و آگاهی از جنسیت جنین» اثر جهان مهین (۱۳۹۶ش) بعد از تقسیم‌بندی آیات و توضیح آن‌ها به این نتیجه رسیده است: آگاهی از علم تفصیلی موارد پنج‌گانه در آیه ۳۴ لقمان مخصوص خداوند است، هرچند ممکن است علم اجمالی برای معصومان و اولیاء الهی حاصل شود و هم‌چنین علم و آگاهی جامع و همه‌جانبه به جنین که انحصار به علم الهی است از نتایج خوب این تحقیق است.

تفاوت پژوهش حاضر با کتاب‌ها و مقالات انجام‌گرفته در این است: بر اساس قواعد معتبر تفسیری، شبهه مطرح‌شده در آیات ۳۷. ۳۹ سوره مبارکه قیامت که تعیین جنس جنین را بعد از مرحله علقه می‌داند، نقد نموده است و هم‌چنین نقد شبهه دیگر درباره آیه مبارکه ۳۴ لقمان است که مدعای شبهه مطرح‌شده این است، آگاهی از جنس جنین و یا تعداد آن برای انسان امری ساده بوده و با مراد آیه که انحصار علم جنین را برای خدا می‌داند در تعارض است.

۳. طرح شبهه

جناب سها از منکران و معاندان قرآن کریم در کتاب نقد قرآن با بهره‌گیری از آیات قرآن کریم نتیجه گرفته است که از نظر قرآن کریم تعیین جنس جنین بعد از مرحله علقه است؛ در حالی که از نظر علم جنین‌شناسی در مرحله آغازین شکل‌گیری جنین، جنس آن مشخص می‌گردد. ایشان با استناد به آیات «الْمَیْکَ نُطْفَئَةُ مِنْ مَنیِّ یَعْنی ثَمَرٌ کَانَ عُلْقَةً فَخَلَقَ فَسَوَّیَ فَجَعَلَ مِنْهُ الزَّوْجَیْنِ الذَّکَرُ وَالْأُنْثَى» (قیامت/۳۹. ۳۷) نوشته است: «جنس جنین بعد از مرحله علقه بیان شده است. چون از نظر علم ثابت شده است که جنسیت جنین به محض تشکیل تخم (ترکیب اسپرم و تخمک در چند ساعت اولیه‌ی پس از آمیزش جنسی) مشخص است؛ بنابراین تعیین نر و ماده بودن جنین پس از مرحله‌ی علقه غلطی فاحش است» (سها، ۱۳۹۱ش: ۵۲).

تبیین شبهه: شبهه مطرح‌شده بدین صورت است که ضمیر «منه» را در عبارت «فَجَعَلَ مِنْهُ» به مرحله «علقه» برگردانده و گفته است که بعد از مرحله «علقه» نر و ماده بودن جنین مشخص می‌گردد؛ ولی هیچ دلیل دیگری بر این نظر که ضمیر در «فَجَعَلَ مِنْهُ» به «علقه» برمی‌گردد، ارائه نمی‌نماید؛ بنابراین در توضیح دیدگاه ایشان می‌توان گفت نقد ایشان از حیث ژنتیکی و کروموزومی است؛ یعنی در همان مرحله‌ای که نطفه بسته می‌شود جنس جنین مشخص می‌گردد، نه بعد از مرحله علقه. لازم است در ادامه بحث دیدگاه مفسران

فریقین در خصوص آیه مورد نظر بررسی گردد. نقد و بررسی دیدگاه ایشان نیز در ادامه بحث خواهد آمد.

الف) بررسی دیدگاه مفسران درباره آیه مورد بحث

به نظر می‌رسد، برداشتی که نویسنده از آیه دارند در تفاسیر هیچ کدام از مفسران دیده نمی‌شود و دارای اشکالاتی است که بدان پرداخته می‌گردد. هیچ مفسری در این آیه ضمیر را به مرحله «علقه» بر نمی‌گرداند بلکه مفسران و ادیبان دیدگاه دیگری دارند که می‌توان آن را به دو گروه تقسیم نمود:

دیدگاه اول: برگشت ضمیر به انسان

برخی از مفسران معتقدند که ضمیر «منه» در عبارت «فَجَعَلَ مِنْهُ الزَّوْجَيْنِ» به انسان برمی‌گردد: از ابن عباس و مقاتل نقل شده است، گفته‌اند: «فَجَعَلَ مِنْهُ الزَّوْجَيْنِ» یعنی خداوند سبحان از انسان دو نوع مذکر و مؤنث را قرار داده است (نووی جوی، ۱۴۱۷ ق، ج ۲: ۵۸۵).

علامه طبرسی در تفسیر شریف مجمع البیان در این آیه مرحله تسویه را بعد از مرحله علقه دانسته و فرموده است: مرحله تسویه مرحله‌ای است که اعضای باطنی و ظاهری جنین در شکم مادرش آشکار می‌گردد و در ادامه گفته‌اند: ضمیر در عبارت «فَجَعَلَ مِنْهُ» به انسان برمی‌گردد یعنی خداوند تبارک و تعالی از انسان دو نوع نر و ماده را قرار داد. درباره این که ضمیر در آیه به منی برگردد به عنوان یک احتمال بیان کرده است (طبرسی، ۱۳۷۲ ش، ج ۱۰: ۶۰۷).

علامه طباطبایی می‌فرماید در آیه «الَّذِي يَكُنُ نُطْفَةً مِنْ مَنِيَّ امْرَأَةٍ» اسم «کان» ضمیری است که به انسان برمی‌گردد. درباره آیه مبارکه «فَجَعَلَ مِنْهُ الزَّوْجَيْنِ الذَّكَرَ وَالْأُنْثَى» نیز فرموده‌اند: مراد این است که خداوند از انسان دو نوع، یکی نر و دیگری ماده قرار داده است (طباطبایی، ۱۴۱۷ ق، ج ۱۱۵: ۲۰).

صاحب تفسیر روح المعانی نیز گفته است: منظور از ضمیر «فَجَعَلَ مِنْهُ» انسان است و منظور از «الزَّوْجَيْنِ» دو نوع و دو صنف و منظور از الذکر والانثی بدل از «الزَّوْجَيْنِ» است؛ یعنی خداوند از انسان دو نوع نر و ماده قرار داده است؛ و قرار دادن نر و ماده از منی را به عنوان یک احتمال مطرح کرده است (آلوسی، ۱۴۱۵ ق، ج ۱۵: ۱۶۵).

بسیاری از مفسران از جمله: قرطبی در تفسیر الجامع لأحكام القرآن (قرطبی، ۱۳۶۴ ش، ج ۱۹: ۱۱۷)، طبری در تفسیر جامع البیان فی تفسیر القرآن (طبری، ۱۴۱۲ ق، ج ۲۹: ۱۲۵) علامه مغنی در تفسیر الکاشف (مغنیه، ۱۴۲۴ ق،

ج ۷: ۴۷۴) و حسینی شیرازی در تفسیر تقریب القرآن إلى الأذهان (حسینی شیرازی، ۱۴۲۴ ق، ج ۵: ۵۶۸) نیز همین دیدگاه را پذیرفته و گفته‌اند که ضمیر در آیه به انسان برمی‌گردد.

دلایل این گروه از مفسران را این‌گونه می‌توان تبیین نمود که آیه به‌طور کلی درصدد بیان این نکته است. خداوند از انسان دو نوع مذکر و مؤنث قرار داده است و برای تناسل و توالد و برای بقاء نسل بشر دو نوع انسان یعنی نر و ماده لازم است نه این‌که بعد از مرحله علقه، نر و ماده بودن جنین مشخص می‌گردد.

دلیل دیگر که می‌توان این دیدگاه را تقویت نمود: آمدن فعل «جعل» است، فعل «جعل» غیر از فعل «خلق» است، چون فعل «خلق» به آفرینشی که در آن دگرگونی و تغییر و تحول باشد اشاره دارد: «خَلَقًا مِنْ بَعْدِ خَلْقٍ» درحالی‌که فعل جعل به معنای قرار دادن است؛ بنابراین اگر در این آیه فعل «خلق» می‌آمد یعنی می‌فرمود: «فخلق منه» در این صورت می‌توانستیم بحث کنیم که بر کدام یک از مراحل: «نطفه»، «علقه» یا مرحله «تسویه» قابل تطبیق است.

علاوه بر دلایل فوق دلیل دیگری نیز وجود دارد؛ مبتنی است بر اینکه خداوند سبحان همان‌گونه که در این آیه به مذکر و مؤنث بودن انسان برای تداوم نسل بشر اشاره دارد؛ در برخی دیگر از آیات علاوه بر انسان به جفت و زوج بودن چیزهای دیگر نیز اشاره دارد که آن‌ها را می‌توان هم مضمون آیه موردنظر دانست: «سُجَّحَانَ الَّذِي خَلَقَ الْأَزْوَاجَ كُلَّهَا مِمَّا تُنْبِتُ الْأَرْضُ وَمِنْ أَنْفُسِهِمْ وَمِمَّا لَا يَعْلَمُونَ» (یس/۳۶)؛ منزه است خداوندی که همه چیز را جفت آفریده است، از آنچه در زمین می‌روید، از خود انسان‌ها و از آنچه که نمی‌دانند؛ «وَمِنْ كُلِّ شَيْءٍ خَلَقْنَا زَوْجَيْنِ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ» (ذاریات/۴۹)؛ از هر چیزی دو نوع (نر و ماده) آفریدیم تا شاید متذکر شوید؛ «وَخَلَقْنَاكُمْ أَزْوَاجًا» (نبا/۸)؛ و شما را جفت آفریدیم.

بنابراین، در این دیدگاه روشن شد که هدف از آیه مورد ذکر، این نیست که نر و ماده بودن انسان را به یکی از مراحل رشد برگرداند بلکه تبیین دو صنف و دو نوع از انسان (مذکر و مؤنث) برای تداوم نسل بشر است و برای همین ضمیر به انسان برمی‌گردد.

دیدگاه دوم: برگشت ضمیر در آیه «فجعل منه الزوجین» به نطفه یا منی
همان‌گونه که در دیدگاه اول گفته شد، برخی از مفسران ازجمله طبرسی و آلوسی در تفسیر این آیه که ضمیر به منی برگردد، به عنوان یک احتمال مطرح کرده‌اند.

دیدگاه برخی دیگر از مفسران این است ضمیر در آیه به اولین مرحله آفرینش انسان برمی‌گردد، به عبارت دیگر ضمیر به منی برمی‌گردد و خداوند سبحان نرو ماده را از نطفه قرار داده است.

در تفسیر جلالین آمده است خداوند سبحان از منی که تبدیل به علقه و سپس تبدیل به مضغه می‌شود دو نوع نرو ماده را آفریده است (محلّی و همکاران، ۱۴۱۶ ق: ۵۸). وهبه زحیلی در تفسیرش گفته است: «فَجَعَلَ مِنْهُ» یعنی خداوند از منی دو نوع انسان: مرد و زن را قرار داده است (زحیلی، ۱۴۱۸ ق: ۲۹/۲۷۶). آیه الله مکارم شیرازی نوشته‌اند که ضمیر در آیه به منی برمی‌گردد، بنابراین خداوند سبحان از نطفه دو جفت مرد و زن را آفرید (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ ش، ج ۲۵: ۳۲).

برخی دیگر از مفسران «ماء» و یا «مَنی» را در آیه در تقدیر گرفته و گفته‌اند: «فَجَعَلَ مِنْهُ الزَّوْجَيْنِ الذَّكَرَ وَالْأُنْثَى» ائ خلق من مائه أولادا ذکورا و إناثا (بغوی، ۱۴۲۰ ق، ج ۵: ۱۸۷؛ میبیدی، ۱۳۷۱ ش، ج ۱۰: ۳۰۸). یعنی خداوند از مایع منی انسان، فرزندان مذکر و مؤنث را آفریده است؛ بنابراین اگر دیدگاه دوم را بپذیریم، ضمیر به نطفه برمی‌گردد مراد آیه این است که خداوند سبحان از منی و یا نطفه دو نوع انسان نرو ماده را آفریده است.

ب) نقد و بررسی

یکی از مبانی مهم در تفسیر آیات توجه به آیات متحد الموضوع بوده و اکثر پژوهشگران و مفسران قرآنی آن را پذیرفته‌اند و حتی کسانی که قرآن را وحی الهی نمی‌دانند و سعی دارند آن را نوشته بشری معرفی نمایند، این مبنا را در فهم آیات قرآن پذیرفته‌اند.

نویسنده کتاب نقد قرآن که خود منکر و حیانی بودن قرآن است، به برخی از مبانی تفسیر آیات در کتاب خود اشاره نموده و گفته است بر اساس آن‌ها به بررسی آیات قرآن خواهد پرداخت. یکی از آن‌ها توجه به آیات متحد الموضوع است.

درجایی از نوشته‌های خود، پراکندگی گویی آیات قرآن را از موانع فهم آن بیان کرده و گفته است: «عدم دنبال کردن موضوع خاص و ذکر مخلوط موضوعات متنوع، به نحوی که اگر بخواهید نظر قرآن را در موضوع خاصی بدانید لازم است که تمام قرآن را بگردید» (سه‌ها، ۱۳۹۱ ش: ۲۵). درجای دیگر از کتابش نوشته است: «پاره پاره بودن مطالب و پراکنده بودن هر مطلب در بیش از ۶۶۰ آیه، کار فهم نظر قرآن در مورد یک موضوع خاص را بسیار مشکل می‌کند. راه حل اساسی برای مقابله با این مشکل این است که باید

تمام آیات مربوط به یک موضوع را یافت و در کنار هم نهاد. این کار در گذشته بسیار مشکل بود؛ ولی امروز با استفاده از کامپیوتر بسیار آسان تر شده است» (سها، همان: ۳۵).

به نظر می‌رسد این مطالب گواه روشن بر این است که این افراد تفسیر موضوعی قرآن یعنی کنار هم قرار دادن آیات مربوط به یک موضوع و استخراج نظر قرآن درباره آن را به عنوان یکی از مبانی تفسیر قرآن کریم قبول دارد. حالا باید دید که آیا در ارائه نظرات خود بدان پای بند هست یا نه؟

به نظر می‌رسد به آنچه گفته و پذیرفته است، بدان عمل نمی‌کند. از دیدگاه مفسران شیعه و سنی روشن شد که ضمیر به مرحله علقه و یا بعد از آن بر نمی‌گردد یا به انسان بر می‌گردد که موضوع سخن درباره انسان است یا به مرحله نطفه بر می‌گردد که از آن با تعبیر «نُطْفَةٌ مِنْ مَنِي يَمَنِي» سخن گفته است و برای تقویت این دیدگاه می‌توان به آیات دیگر نیز استناد کرد که معنای آیه مورد نظر را نیز روشن نموده و با آن هماهنگی و مطابقت دارد: «وَاللَّهُ خَلَقَكُمْ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ جَعَلَكُمْ أَزْوَاجًا وَمَا تَحْمِلُ مِنْ أُنْثَىٰ» (فاطر/۱۱)؛ و خداوند شما را از خاک آفرید، سپس از نطفه و پس از آن شما را جفت (نر و ماده) قرار داد و آنچه زنان حمل می‌کنند؛ بنابراین اگر منظور از ازواج، نر و ماده بودن باشد، خداوند سبحان طبق صراحت آیه مبارکه بعد از مرحله نطفه، نر و ماده بودن را قرار می‌دهد. در این صورت با آنچه در علم جنین شناسی گفته شده است تعارض پیش نخواهد آمد؛ چون در بیان قرآن کریم اولین مرحله شکل‌گیری جنین همان مرحله نطفه است.

علاوه بر دیدگاه فوق آیات دیگری در قرآن کریم است، آفرینش مذکر و مؤنث یا همان تعیین جنسیت جنین را مرحله نطفه یا از نطفه می‌داند که با علم جنین شناسی نیز کاملاً هماهنگ است که در مرحله آغازین لقاح جنس جنین مشخص می‌گردد.

قرآن کریم می‌فرماید: «وَأَنَّهُ خَلَقَ الذَّكَرَ وَالْأُنْثَىٰ مِنْ نُطْفَةٍ إِذَا تُمْنَىٰ» (نجم/۴۵)؛ و اوست (خداوندی) که دو زوج نر و ماده را آفرید از نطفه هنگامی که ریخته می‌شود و هم چنین آیه مبارکه «وَاللَّهُ خَلَقَكُمْ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ جَعَلَكُمْ أَزْوَاجًا وَمَا تَحْمِلُ مِنْ أُنْثَىٰ» (فاطر/۱۱) که در توضیح دیدگاه دوم بیان شد به صراحت بعد از مرحله نطفه نر و ماده بودن جنین را مطرح کرده است. چند نکته در بیان این آیات وجود دارد:

اول این که نفرمود «از نطفه» بلکه فرمود «از نطفه زمانی که ریخته شود»؛

بنابراین به مرحله لقاح که نطفه مرد و زن با هم جمع می‌گردد، اشاره دارد و دلیل دیگر این که در جای دیگر می‌فرماید: «إِنَّا خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ نُطْفَةٍ أَمْشَاجٍ نَبْتَلِيهِ فَجَعَلْنَاهُ سَمِيعًا بَصِيرًا» (انسان/۲) طبق این آیه که نطفه را با قید «امشاج» آورده است به اختلاط نطفه مرد و زن اشاره دارد؛ بنابراین هرکجا آفرینش انسان را به طور مطلق از «نطفه» بیان کند همان نطفه امشاج خواهد بود؛ پس در هر دو آیه‌ای که بدان استناد شد، منظور از مرحله نطفه همان مرحله لقاح و تخم است که در اصطلاح علمی به آن زایگوت گویند.

دوم این که در آیه اول به صراحت فعل «خلق» آمده است، فعل «خلق» غالباً درجایی به کار می‌رود که چیزی بر شکل و کیفیت خاصی آفریده شود که بدون تردید به آفرینش نر و ماده از نطفه اشاره دارد. برخلاف آیه «فَجَعَلَ مِنْهُ الزَّوْجَيْنِ الذَّكَرَ وَالْأُنْثَى» که فعل «جعل» آمده است و درباره آن اختلاف نظر وجود داشت و دیگر این که در این مرحله آفرینش خاصی صورت نمی‌گیرد بلکه از جانب خداوند نر و ماده بودن جنین از بین سلول‌های جنسی انتخاب می‌گردد. همان گونه که آیه دوم بدان اشاره داشت: «وَاللَّهُ خَلَقَكُمْ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ جَعَلَكُمْ أَزْوَاجًا».

اگر اشکال مطرح شده از حیث آناتومیکی و سونوگرافی هم باشد که بعد از ظاهر شدن آلت تناسلی جنین، مذکر و مؤنث بودن آن آشکار می‌گردد در این صورت خود آیه مورد بحث می‌تواند پاسخ همین شبهه باشد که بعد از مرحله علقه با ظاهر شدن آلت جنسی، جنس مذکر و مؤنث بودن آن مشخص می‌گردد.

آیا این‌ها از رساترین و گویاترین تعبیر قرآنی برای تعیین جنس جنین نیست، قرآن کریم نه تنها به آفرینش نر و ماده از «نطفه» تصریح نموده است بلکه تعیین جنس جنین را نیز مشخص می‌نماید که آیا بر عهده نطفه مرد است یا نطفه زن؟ از برخی آیات قرآن کریم این دیدگاه نیز قابل برداشت است.

بر اساس بیان قرآن کریم بعد از این که نطفه مرد (اسپرم) با نطفه زن (اوول) به هم آمیخته شد (نطفه امشاج) و به صورت تخمک لقاح یافته (زایگوت) درآمد؛ یعنی طبق بیان قرآن کریم «نطفه امشاج» تشکیل یافت و بعد از این در رحم زن قرار می‌گیرد که قرآن کریم می‌فرماید: «ثُمَّ جَعَلْنَاهُ نُطْفَةً فِي قَرَارٍ مَكِينٍ» (مؤمنون/۱۳)؛ سپس او را به صورت نطفه (تخمک لقاح یافته) در قرارگاه امن قراردادیم. منظور از قرارگاه مکین رحم زنان است که نطفه در آن، تمکن زیست دارد (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۵: ۲۰) و محفوظ‌ترین نقطه بدن که از هر طرف کاملاً حفاظت شده است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱۴: ۲۰۷). قرآن کریم از مرحله‌ای به نام حرث (کشت) از

آن یاد کرده و می‌فرماید: «نِسَاؤُكُمْ حَرْثٌ لَّكُمْ فَأَتُوا حَرْثَكُمْ أَنَّى شِئْتُمْ» (بقره/۲۲۳)؛ زنانان کشتزاری برای شما هستند هرگونه یا هرزمانی خواستید در آن بذرافشانی کنید.

قرآن کریم رحم زن را به زمین کشتزار تشبیه کرده است که محل مناسب برای بذرافشانی است یعنی همان‌گونه که زمین در دل خود تخم دانه را رشد می‌دهد و هیچ نقشی در جنسیت تخم دانه ندارد، رحم زن نیز این‌گونه است؛ یعنی تعیین جنسیت تخم در شکل‌گیری جنین به عهده نطفه مرد است. این نکته‌ای است که تلویحاً از برخی دیگر آیات قرآن کریم نیز قابل برداشت است: «وَأَنَّهُ خَلَقَ الذَّكَرَ وَالْأُنثَىٰ مِنْ نُطْفَةٍ إِذَا تُمْنَىٰ» (نجم/۴۶-۴۵)؛ و اوست (خداوندی) که دو زوج نر و ماده را آفرید از نطفه‌ای هنگامی که ریخته می‌شود. قید «إِذَا تُمْنَىٰ» در عبارت «نُطْفَةٍ إِذَا تُمْنَىٰ» می‌تواند، بیانگر خصوصیت نطفه مرد باشد که امری محسوس است (قرشی، ۱۳۷۵: ۱۰؛ ج ۴۲۶ در این صورت طبق آیه نطفه مرد است که جنس جنین را از نظر نر و ماده بودن تعیین می‌نماید).

۴. تعیین جنس جنین از نظر علم جنین‌شناسی

از نظر علم جنین‌شناسی تخمک لقاح یافته‌ای که جنین از آن به وجود می‌آید، حاوی ۲۲ جفت کروموزوم عادی و یک جفت کروموزوم جنسی است، کروموزوم‌های مذکور از اجتماع تخمک زن و نطفه‌ی مرد به وجود می‌آیند و هریک نیز از اجزای زیر تشکیل می‌گیرند:

تخمک زن: ۲۲ کروموزوم عادی + یک کروموزوم جنسی X

نطفه مرد: ۲۲ کروموزوم عادی + یک کروموزوم جنسی X یا Y

بر اساس علم جنین‌شناسی نصف نطفه مرد را کروموزوم‌های جنسی X و نصف دیگر را کروموزوم‌های Y تشکیل می‌دهد، اما تخمک زن، همیشه حامل کروموزوم‌های X هستند. بر این اساس هنگامی که تخمک با نطفه‌ی حامل کروموزوم‌های جنسی X ترکیب شود؛ جنین دختر خواهد بود و اگر با نطفه حامل کروموزوم جنسی Y پیوند بخورد، جنس جنین پسر خواهد بود؛ بنابراین این نطفه مرد است که تعیین جنس جنین را بر عهده دارد؛ زیرا هم حاوی کروموزوم جنسی X و هم حاوی کروموزوم جنسی Y است (وی سادلر، ۱۳۹۴: ۳۶-۳۳ و ۶۴).

جنسیت جنین (مذکر یا مونث بودن) بر اساس ترکیب کروموزوم‌های جنسی تعیین می‌شود. بدیهی است این مسأله در آزمایشگاه، در روش‌های کمک

باروری مانند: لقاح خارج رحمی (IVF) از همان مراحل اولیه رشد (روز ۳ تا ۵ پس از لقاح) قابل تشخیص است. اما تشخیص جنسیت جنین در رحم به کمک معاینه خارجی (اولترا سونوگرافی) معمولاً بین هفته ۱۶ تا ۲۰ قابل تشخیص است (همان). بنابراین این از رازگویی علمی و بیان اعجاز آمیز قرآن کریم است که ۱۴ قرن پیش به این مطلب اشاره کرده است و این نطفه مرد است که جنس جنین را از لحاظ دختر و یا پسر بودن تعیین می‌کند و زن شبیه کشتزار مستعدی برای تخمک لقاح یافته است که در آن کاشته می‌شود؛ بنابراین بر مخاطبان روشن است که نه تنها قرآن کریم با یافته‌های جدید علم جنین‌شناسی در تعارض نیست بلکه برخی از حقایق آن با پیشرفت علم آشکار می‌گردد و در نتیجه حقانیت، و حیانت و الهی بودن آن به اثبات می‌رسد.

الف) شبیه: آگاهی بشر از جنس جنین و تعداد آن تعارض با انحصار علم آن به خداوند

شبیه دیگر درباره جنس جنین و آگاهی از آن است که از برخی آیات قرآن کریم استفاده می‌شود: آگاهی از جنس جنین و تعداد آن اختصاص به علم خداوند دارد. در برخی آیات قرآن کریم تصریح شده است که آنچه در جنین هست، علم آن اختصاص به خداوند دارد: «إِنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ عِلْمُ السَّاعَةِ وَيُنَزِّلُ الْغَيْثَ وَيَعْلَمُ مَا فِي الْأَرْحَامِ وَمَا تَدْرِي نَفْسٌ مَّاذَا تَكْسِبُ غَدًا وَمَا تَدْرِي نَفْسٌ بِأَيِّ أَرْضٍ تَمُوتُ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ» (لقمان/۳۴)؛ آگاهی از زمان قیام قیامت مخصوص خداست و اوست که باران را نازل می‌کند و آنچه را که در رحم‌ها (ی مادران) است می‌داند و هیچ‌کس نمی‌داند فردا چه به دست می‌آورد و هیچ‌کس نمی‌داند در چه سرزمینی می‌میرد؟ خداوند دانا و آگاه است!

در این آیه تصریح شده است که علم پنج چیز مختص خداوند است و کسی در این علوم شریک او نیست؛ که عبارت‌اند از: علم زمان برپایی قیامت، نزول باران، علم آنچه در رحم است و علم این‌که هیچ‌کس نمی‌داند فردا چه چیزی به دست می‌آورد و هیچ‌کس نمی‌داند که در کدام سرزمین می‌میرد.

نظم و سیاق این آیه و عطف «يَعْلَمُ مَا فِي الْأَرْحَامِ» به ما قبل آن و تعابیر «مَا تَدْرِي نَفْسٌ» دو مورد پس از آن همه حکایت از آن دارند که تعبیر «يَعْلَمُ مَا فِي الْأَرْحَامِ» مفهوم مخالف داشته و در مقام اختصاص دادن علم مزبور به خداوند و نفی آن از دیگران است.

آنچه در روایات آمده است، این برداشت از آیه را تأیید می‌نماید. از پیامبر

اکرم صلی الله علیه و آله وسلم نقل شده است که فرمودند: این پنج چیز را جز خدا کسی نمی‌داند (ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸ ق، ج ۱۵: ۳۰۵) یا این که در روایت دیگر آمده است که فرمودند: «مفتاح الغیب خمس لا یعلمهن إلا الله»؛ کلیدهای غیب پنج چیز هستند که جز خداوند کسی آن‌ها را نمی‌داند. بعد از این پیامبر آیه «إِنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ عِلْمُ السَّاعَةِ...» را تا آخر خواندند (طبری، ۱۴۱۲ ق، ج ۲۱: ۵۶)؛ بنابراین علم به «ما فی الارحام» هم ردیف علم به قیامت دانسته شده که تنها نزد خداست؛ در حالی که «در عصر حاضر، امکان تشخیص جنسیت و تعداد جنین پیش از تولد فراهم شده است. به گفته دانشمندان جنین‌شناسی، اندام‌های تولیدمثل خارجی جنین و تعداد آن پیش از تولد و جنسیت وی در این مرحله قابل تشخیص است) رودس رادنی، ۱۳۸۴ ش، ج ۲: ۹۴۳). کامل نجار گفته است: «پزشکان اکنون می‌توانند دریابند که جنین مذکر است یا مؤنث و یکی است یا بیشتر در حالی که جنین هنوز در رحم مادرش است» (نَجَّار، ۱۴۲۵ ق: ۱۷۷).

در عصر ما آگاهی از جنس جنین امری عادی و طبیعی است و علاوه بر سونوگرافی، دانشمندان با خارج کردن مقداری از مایع آمینوتیک (مایع درون جفت که جنین را احاطه کرده است) و آزمایش آن، در اوایل شکل‌گیری جنین، به جنسیت جنین پی می‌برند (دیاب و قرقوز، بی‌تا: ۵۲) حتی امکان انتخاب جنس نوزاد را به والدین نوید می‌دهند و گام‌های مؤثری هم در این زمینه برداشته‌اند. آنان در مورد خرگوش موفقیت‌هایی داشته‌اند و می‌گویند این ترکیبات یک عمل شیمیایی است و از این پس تعیین نوع جنس بر اساس توافق پدر و مادر خواهد بود (پاک‌نژاد، ۱۳۵۰ ش، ج ۱: ۲۵۵) از سوی دیگر بشر توانسته است به جنس جنین، حتی قبل از شکل‌گیری و موقع لقاح، دست یابد. آیا می‌توان این تناقض را پذیرفت؟

ب) نقد و بررسی

در آیه مورد بحث آگاهی از پنج چیز جزو علوم انحصاری خداوند دانسته شده است. اول این که مراد از آگاهی پنج چیز چیست؟ دوم این که آیا آگاهی از آن‌ها منحصر به خداوند است یا نه؟ که پژوهش جداگانه‌ای می‌طلبد؛ ولی در این بخش از پژوهش به بررسی و تبیین عبارت «یعلم ما فی الارحام» پرداخته می‌شود که مورد بحث است و در اینجا چند سؤال مطرح است که نیاز به پاسخ دارد. مراد از عبارت «یعلم ما فی الارحام» چیست؟ مفسران درباره این عبارت از آیه چه دیدگاه‌های مطرح کرده‌اند؟ آیا روایتی که بتواند مراد از آیه را تبیین نماید وجود

دارد؟ آیا آگاهی از جنین جزو علوم انحصاری و اختصاصی خداوند است یا این که دیگران هم می‌توانند بدان آگاهی یابند؟

بررسی بحث ادبی آیه «یعلم ما فی الارحام»: از کاربردهای کلمه «ما» اسم موصول و یا مصدر است. زمانی که «ما» مصدریه باشد؛ فعل بعد از خود را تأویل به مصدر می‌برد؛ اما زمانی که «ما» اسم موصول باشد، برای انسان و غیر انسان هر دو به کار می‌رود و از کاربرد آن ابهام است یا این که ماهیت و حقیقتش مجهول است (مالقی، ۱۴۰۵ ق: ۲۶۵) برخی گفته‌اند: «ما» اسم مبهمی است در نهایت ابهام (زرکشی، ۱۴۱۰ ق، ج ۴: ۳۴۲)؛ اما زمانی که «ما» معرفه باشد، افاده عموم می‌کند؛ بنابراین «ما» در «ما فی الارحام» ممکن است معرفه باشد. افاده عموم می‌نماید و اسمی است که برای مفرد و مثنی و جمع و مؤنث و مذکر به یک صورت به کار می‌رود (همان)؛ بنابراین از این که بعضی مراد از آیه «یعلم ما فی الارحام» را محدود به آگاهی از جنس جنین می‌نمایند که با به کارگیری تجهیزات پزشکی و سونوگرافی مشخص می‌گردد، مطلب صحیحی نیست؛ چون آیه کریمه نمی‌گوید: «یعلم من فی الارحام» بلکه گفته است «ما فی الارحام» یعنی این که خداوند سبحان هر آنچه بر جنین می‌گذرد از زمان ولادتش تا زمان وفات آن همه را می‌داند؛ یعنی این که نر می‌شود یا ماده، بلندقامت می‌شود یا کوتاه قد، زیرک و باهوش می‌شود یا کم‌هوش و نادان، حلیم و صبور می‌شود یا خشمگین و غیره، همه را می‌داند؛ بنابراین هر تفصیلی از تفصیل زندگی جنین را خداوند می‌داند (فیومی، بی تا: ۲۳).

بررسی آیات قرآن درباره انحصار تمام آگاهی‌های جنین نسبت به خداوند: همان طور که در نقد شبهه قبلی نیز بیان گردید یکی از مبانی مهم در تفسیر آیات قرآن کریم رجوع به آیات متحد الموضوع است به عبارت دیگر برخی از آیات قرآن کریم مفسر و مبین برخی آیات دیگر است. در قرآن کریم آمده است: «اللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَحْمِلُ كُلُّ أُنْثَىٰ وَمَا تَغِيضُ الْأَرْحَامُ وَمَا تَزْدَادُ وَكُلُّ شَيْءٍ عِنْدَهُ بِمِقْدَارٍ» (عد/۸)؛ خدا می‌داند که هر ماده‌ای آنچه حمل می‌کند و رحم‌ها چه کم و زیاد می‌کنند و همه چیز نزد او به اندازه است.

از این آیه نکات زیر قابل استفاده است:

۱. طبق بیان آیه کلمات «ما» و «کل» بیانگر اطلاق است؛ بنابراین علم و آگاهی به ارحام، علمی است که شامل کل زنان باردار و حتی مخلوقات دیگر است که علم هم‌زمان به همه آن‌ها و احاطه بر آن‌ها مختص خداوند سبحان است.
۲. انسان فقط می‌تواند برخی مسائل مربوط به جنین از جمله نر و ماده بودن

آن را بفهمد بلکه آیه کریمه چه بسا مهم‌ترین مسائل مربوط به جنین را قصد نموده است که محال است کسی از بندگان خدا بتواند در هر لحظه هر جنینی از مخلوقات بشر و غیر بشر آگاهی پیدا کند.

۳. بر اساس آیات قرآن کریم جنین امور فراوانی دارد، از جمله: شکل، اندازه، رنگ، سالم و معیوب بودن، صفات جسمی و روحی و بسیاری از صفات دیگر که بعداً برای او رخ خواهد داد، همه این نکات از کلمه «ما» که در آیه «یعلم ما فی الارحام» آمده است، به دست می‌آید؛ بنابراین این علمی است که خداوند آن را به خود اختصاص داده است.

۴. دلیل دیگر این که علم آنچه در رحم‌هاست فقط به جنس مذکر و مؤنث بودن جنین محدود نمی‌شود بلکه امور دیگر را نیز شامل می‌شود که این امور، از آیات دیگر نیز قابل برداشت است: «و ما تغییض الارحام و ما تزدد»؛ یعنی رحم دائماً در حال کم‌وزیاد شدن است که جز خداوند کسی بدان آگاهی ندارد.

از آیات قرآن کریم استفاده می‌شود که عبارت «یعلم ما فی الارحام» جزو امور غیبی خداوند است: «اللَّهُ یَعْلَمُ مَا تَحْمِلُ كُلُّ اُنْثٰی وَ مَا تَغِیْضُ الْاَرْحَامُ وَ مَا تَزِدُّاُ وَ کُلُّ شَیْءٍ عِنْدَهُ بِمِقْدَارٍ»؛ خدا از جنین‌هایی که هر (انسان یا حیوان) مادّه‌ای حمل می‌کند آگاه است؛ و نیز از آنچه رحم‌ها کم می‌کنند (و پیش از موعد مقرر می‌زایند) و هم از آنچه افزون می‌کنند (و بعد از موقع می‌زایند)؛ و هر چیز نزد او مقدار معینی دارد.

بررسی دیدگاه مفسران درباره انحصار تمام آگاهی‌های جنین برای خداوند: مفسران درباره تفسیر آیه «یعلم ما فی الارحام» دیدگاه متفاوتی بیان کرده‌اند که بدان اشارت می‌شود. مراد از اینکه خداوند فرموده است: آنچه در رحم‌هاست می‌داند، چیست؟ برخی از مفسران در تفسیر خود این آیه را به برخی از امور محدود کرده و گفته‌اند: مراد از آنچه در رحم‌هاست می‌داند، از جهت مذکر و مؤنث بودن، تام الخلقه و ناقص الخلقه بودن، صحیح و سقیم بودن یا از نظر تعداد: یکی یا بیشتر بودن است. برای نمونه در تفاسیر ذیل آمده است: مقاتل بن سلیمان در تفسیر خود گفته است: مراد از این آیه این است که خداوند مذکر یا مؤنث بودن یا غیر آن را می‌داند (بلخی، ۱۴۲۳ق، ج ۳: ۴۴۰).

در تفسیر جلالین آمده است: مراد از «یعلم ما فی الارحام» مذکر و مؤنث بودن جنین است؛ بنابراین مواردی که در آیه آمده است از «علم قیامت، نزول باران و ...» کسی جز خداوند آن‌ها را نمی‌داند (محلّی و همکاران، ۱۴۱۶ق، ج ۱: ۴۱۷).

صاحب تفسیر التبیان فی تفسیر القرآن گفته است: مراد از جهت مذکر و مؤنث بودن است (طوسی، بی تا، ج ۸: ۲۸۹).

علامه طبرسی در تفسیر مجمع البیان فرموده است: مراد از «یعلم ما فی الارحام» از جهت مذکر و مؤنث بودن سالم و ناسالم بودن و یکی یا بیشتر بودن است (طبرسی، ۱۳۷۲ ش، ج ۸: ۵۰۷). صاحب تفسیر الجوهر الثمین فی تفسیر الکتاب المبین گفته است مراد از جهت مذکر و مؤنث بودن و تام الخلقه و ناقص الخلقه بودن است (شیر، ۱۴۰۷ ق، ج ۵: ۱۱۴).

سیوطی در تفسیر خود گفته است: مراد از آیه «یعلم ما فی الارحام» مذکر و مؤنث بودن و از نظر قرمز یا سیاه بودن است که جز خداوند کسی آن را نمی داند (سیوطی، ۱۴۰۴ ق، ج ۵: ۱۶۹).

صاحب تفسیر مراغی گفته است: مراد از جهت مذکر و مؤنث و تام الخلقه و ناقص الخلقه بودن و احوالاتی که بر جنین عارض می گردد که خداوند آن ها را می داند (مراغی، بی تا، ج ۲۱: ۱۰۰). برخی دیگر از مفسران از جمله سمرقندی، بیضاوی و ابن جوزی نیز همین احتمال را داده اند (سمرقندی، بی تا، ج ۳: ۳۱؛ بیضاوی، ۱۴۱۸ ق، ج ۴: ۲۱۸؛ ابن جوزی، ۱۴۲۲ ق، ج ۳: ۴۳۶).

نقد و بررسی

طبق بیان آیه مراد از دانستن آنچه در رحم است، جزو علوم انحصاری و اختصاصی خداوند است؛ بنابراین همان گونه که برخی از مفسران گفته اند اگر مراد از دانستن آنچه در رحم هاست را محدود به برخی از امور از جمله: جنس جنین، تعداد جنین در رحم، کامل الخلقه یا ناقص الخلقه و یا اموری از این قبیل دانست؛ بنابراین اشکال وارد است، چون فهم این گونه امور برای بشر امروزی با پیشرفتی که در عصر حاضر دارد، سهل و آسان است؛ درحالی که این گروه از مفسران برای محدود و مقید کردن معنای آیه دلیل خاصی ارائه نمی نمایند.

برخی دیگر از مفسران آیه را محدود به امور ذکر شده نمی دانند بلکه معتقدند؛ محدود نمودن آیه به برخی از موارد، ادعای بدون دلیل است. آیت الله مکارم شیرازی درباره آیه «اللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَحْمِلُ كُلُّ أُنْثَىٰ وَمَا تَغِيصُ الْأَرْحَامُ وَمَا تَزْدَادُ» دو احتمال را مطرح نموده و فرموده اند: اول این که ممکن است این آیه اشاره به صورت های سه گانه حمل باشد که گاهی به موعد مقرر متولد می شود «يَعْلَمُ مَا تَحْمِلُ كُلُّ أُنْثَىٰ» و گاهی قبل از موعد «مَا تَغِيصُ الْأَرْحَامُ» و گاهی بعد از موعد مقرر تولد می یابد: «وَمَا تَزْدَادُ».

خداوند همه این‌ها را می‌داند و از تاریخ تولد جنین و لحظه آن بی‌کم‌وکاست آگاه است. این از اموری است که هیچ‌کس و هیچ دستگاهی دقیقاً نمی‌تواند آن را مشخص کند. این علم مخصوص ذات پاک پروردگار است و دلیل آن هم روشن است چراکه استعداد رحم‌ها و جنین‌ها کاملاً متفاوت است و هیچ‌کس از این تفاوت‌ها، دقیقاً آگاه نیست (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ ش، ج ۱۰: ۱۳۳).

مکارم شیرازی در جای دیگر فرمودند: ظاهر آیه این است که این از علوم خاص الهی است که ویژگی‌های جنین را قبل از تولد از هر نظر می‌داند. نه تنها از مسئله جنسیت بلکه از تمام استعدادها، ذوق‌ها و صفات ظاهر و باطن جنین باخبر است (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶ ش، ج ۲: ۸۸).

ایشان در تفسیر آیه ۳۴ لقمان در تفسیر نمونه می‌نویسد: منظور از عدم آگاهی مردم از این امور پنج‌گانه تمام خصوصیات آن‌ها است، فی‌المثل اگر روزی وسایلی در اختیار بشر قرار گیرد- که هنوز آن روز فرانسیده است- و از پسر یا دختر بودن جنین به‌طور قطع آگاه شوند، باز این امر اشکالی برای آیه مورد بحث ایجاد نمی‌کند، چراکه آگاهی از جنین به آن است که تمام خصوصیات جسمانی، زشتی و زیبایی، سلامت و بیماری، استعدادهای درونی، ذوق علمی و فلسفی و ادبی و سایر صفات و کیفیات روحی را بدانیم و این امر برای غیر خدا امکان‌پذیر نیست.

همچنین اینکه باران در چه موقع نازل می‌شود؟ و کدام منطقه را زیر پوشش قرار می‌دهد؟ و دقیقاً چه مقدار در دریا و چه مقدار در صحرا و دره و کوه و بیابان می‌بارد؟ جز خدا کسی نمی‌داند. در مورد حوادث فردا و فرداها و خصوصیات و جزئیات آن‌ها نیز همین‌گونه است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ ش، ج ۱۷: ۹۹ با تلخیص) و در مورد تفسیر آیه «و ما تحمل من أنثی ولا تضع إلا بعلمه» (فاطر ۱۱) می‌فرماید: «آری مسئله بارداری و تحولات و دگرگونی‌های بسیار عجیب و پیچیده جنین، سپس رسیدن به مرحله وضع حمل و ... به قدری ظریف و دقیق است که جز به اتکای علم بی‌پایان خداوند امکان‌پذیر نیست و اگر نظام حاکم بر آن سرسوزنی اختلال یابد برنامه حمل یا وضع حمل دچار آشفتگی و یا اختلال می‌گردد و به فساد و تباهی می‌کشد» (همان، ج ۱۱: ۲۵).

یکی دیگر از مفسران نوشته است: مراد از آیه «يعلم ما فی الارحام» یعنی آنچه در رحم‌هاست می‌داند، از انسان، جن، حیوان، نبات و جماد همه را شامل می‌گردد، علم کاملی که از زمان شکل‌گیری جنین و انعقاد نطفه تا آن زمانی

که جنین در رحم است، از نظر شکل‌ها، طبیعت‌ها و عمرها و مشغله‌های آن، همه را می‌داند؛ بنابراین مراد از آیه، همه این علوم هست و دانستن همه این علوم مستلزم قدرت کاملی است و محدود نمودن آن به علم ناقصی مثل تعیین جنس جنین نر و ماده ادعای بدون دلیل بوده و صحیح نیست (صادقی تهرانی، ۱۴۱۹ ق، ج ۱: ۴۱۴).

اختصاص علم در این آیه، علم به تمام مراحل جنین از نطفه، علقه و مضغه و غیره و پس از آن از نر و ماده بودن جنین و همه مسائل مربوط به جنین را شامل می‌شود و از نظر ادبی آمدن فعل «یعلم» افاده تکرار علم را می‌رساند از جهت تبدیل جنین به مراحل مختلف و احوالات گوناگون؛ بنابراین اختصاص به علم تمام آن مراحل از جنین را بیان می‌کند که انسان‌ها آن را نمی‌دانند (ابن عاشور، بی‌تا، ج ۲۱: ۱۳۶).

بررسی روایات درباره انحصار تمام آگاهی‌های جنین برای خداوند

درباره تفسیر این آیه از امام علی بن ابی‌طالب علیه‌السلام درباره علم غیب سؤال می‌کنند و امام علیه‌السلام نیز در پاسخ به آن‌ها به توضیحاتی می‌فرمایند که می‌تواند مفسر آیه مورد بحث باشد. در نهج البلاغه آمده است: «عن أمير المؤمنين عليه السلام: ... يا أبا كلب ليس هو بعلم غيب، وإنما هو تعلم من ذي علم وإِنما علم الغيب علم الساعة وما عدده الله سبحانه بقوله: إِنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ عِلْمُ السَّاعَةِ وَيُنْزِلُ الْغَيْثَ وَيَعْلَمُ مَا فِي الْأَرْحَامِ وَمَا تَدْرِي نَفْسٌ مَّاذَا تَكْسِبُ غَدًا وَمَا تَدْرِي نَفْسٌ بِأَيِّ أَرْضٍ تَمُوتُ، فَيَعْلَمُ اللَّهُ سَبْحَانَهُ مَا فِي الْأَرْحَامِ مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَى وَقَبِيحٍ أَوْ جَمِيلٍ وَسَخِيٍّ أَوْ يَخِيلٍ وَشَقِيٍّ أَوْ سَعِيدٍ وَمَنْ يَكُونُ فِي النَّارِ حَطْبًا أَوْ يَكُونُ فِي الْجَنَّةِ لِلنَّبِيِّينَ مُوَافِقًا. فَهَذَا عِلْمُ الْغَيْبِ الَّذِي لَا يَعْلَمُهُ أَحَدٌ إِلَّا اللَّهُ، وَمَا سَوَى ذَلِكَ فَعِلْمُ عِلْمِهِ اللَّهُ نَبِيَهُ فَعِلْمُنِيهِ وَدَعَا لِي بِأَنْ يَعْجِهَ صَدْرِي وَتَضُمَّ عَلَيْهِ جَوَانِحِي (جوارحی)» (سید رضی، خطبه ۱۲۸).

پس از پیشگویی امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) از حوادث بزرگ شهر بصره، یکی از اصحاب آن حضرت که از طایفه «بنی کلب» بود پرسید: ای امیرمؤمنان آیا از غیب سخن می‌گویی؟ علی (علیه‌السلام) فرمود: ای برادر کلبی این علم غیب نیست. این فراگرفته‌ای است از عالمی (پیامبر اکرم صلی‌الله علیه و آله و سلم).

علم غیب تنها علم قیامت است و آنچه خداوند سبحان در این آیه برشمرده است که «آگاهی به وقت قیام قیامت نزد اوست، او باران را نازل می‌کند و از آنچه در رحم‌هاست باخبر است و کسی نمی‌داند که فردا چه کاری خواهد کرد و کسی

نمی‌داند که در کدام سرزمین از دنیا می‌رود؛ پس خدای سبحان از آنچه در رحم‌هاست، پسر یا دختر، زشت یا زیبا، سخاوتمند یا بخیل، سعادتمند یا شقی و آن‌کس که آتش گیره جهنم است یا در بهشت همسایه و دوست پیامبران است، از همه این‌ها خداوند بلندمرتبه آگاه است.

این علم غیبی است که جز خدا کسی نمی‌داند و جز این‌ها علمی است که خداوند به پیامبرش تعلیم کرده و او به من آموخته است و برایم دعا کرده است تا آن را در سینه‌ام جای دهد و اعضا و جوارحم را از آن مالا مال سازد. از بیان نهج البلاغه نیز نامحدود بودن مضمون این آیه شریفه قابل استفاده است. بر این اساس از نگاه امام علیه السلام در نهج البلاغه نیز علم به «ما فی الارحام» بسیار گسترده و وسیع است و به هیچ رو نمی‌توان آن را به شناخت جنسیت جنین محدود کرد؛ بنابراین مقصود از آگاهی خدا از این امور آگاهی از تمام خصوصیات (جنس جنین، زشتی و زیبایی، صفات اخلاقی، سعادت و شقاوت و بهشتی یا جهنمی بودن و ...) است که از علوم غیبی محسوب می‌شود؛ پس عدم اطلاع مردم از این امور به معنای عدم اطلاع از تمام خصوصیات آن‌هاست.

نتیجه

آنچه در این پژوهش آمده است، می‌توان به نتایج زیر تأکید نمود:

۱. مفسران درباره مرجع ضمیر «منه» در آیه «الْمَرِیکَ نُطْفَةً مِنْ مَنیِّ یَمَنی ثُمَّ کَانَ عَلقَةً فَخَلَقَ فَسَوَّیَ فَجَعَلَ مِنْهُ الذَّکَرِ وَالْأُنْثَی». دو دیدگاه ارائه نموده‌اند: بر اساس دیدگاه اول ضمیر به انسان برمی‌گردد و بر اساس دیدگاه دوم ضمیر به نطفه برمی‌گردد و هیچ مفسری ضمیر را در آیه به مرحله علقه ارجاع نداده است که گفته شود جنس جنین بعد از مرحله علقه مشخص می‌گردد؛ و از برخی آیات دیگر قرآن استفاده می‌شود که به صراحت مشخص شدن جنس جنین و تفکیک آن را به مرحله نطفه که اولین مرحله جنین است، نسبت داده است «وَأَنَّهُ خَلَقَ الذَّکَرِ وَالْأُنْثَی مِنَ نُطْفَةٍ إِذَا تُمْنِ» که با آنچه در علم جنین‌شناسی در این باره تشریح شده است، کاملاً هماهنگ است.

۲. بدیهی است، دانستن آنچه در رحم‌هاست به دانستن جنسیت و تعداد جنین محدود نمی‌شود، گرچه این‌ها از موارد بارز و برجسته آن هستند بلکه جنین خصوصیات دیگری دارد که انسان نتوانسته است به آن دست پیدا کند، مانند سعادت و شقاوت طفل، استعدادها، ذوق‌ها، مدت عمر. هرچند بشر می‌تواند بعضی از صفات مانند شکل ظاهری، طول بدن ... را کشف نمایند؛ اما آگاهی از صفات روانی و غیره، منحصر در علم خداوند است. خداوند می‌فرماید من از آنچه

در رحم است (با تمام خصوصیات) آگاهی دارم؛ اما اطلاع اجمالی انسان از برخی امور جنین مثل جنس مذکر و مؤنث یا تعداد آن، با علم تفصیلی و انحصاری آن به خداوند مغایر نخواهد بود به دیگر سخن، علم خداوند به آنچه در رحم هاست. علمی شامل، همه جانبه است. چراکه او به همه رحم‌ها احاطه کامل دارد و می‌داند هر رحمی در هر لحظه در چه وضعیتی قرار دارد یا چه پیشامدی در انتظار اوست و این مسئله با علم به برخی از خصوصیات جنین نقض غرض نخواهد بود.



فهرست منابع

- ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی. (۱۴۲۲ ق). زاد المسیر فی علم التفسیر. محقق/عبدالرزاق المهدی. چاپ اول. بیروت: دار الکتب العربی.
- ابن عاشور، محمد بن طاهر. (بی تا). التحریر و التنویر. چاپ اول. بیروت: موسسه التاریخ.
- ابوالفتوح رازی، حسین بن علی. (۱۴۰۸ ق). روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن. محقق/محمد جعفر یاحقی و محمد مهدی ناصح. چاپ اول. مشهد: بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی.
- اسمی قیه باشی، صمد؛ زاهدی، عبدالرضا. (۱۴۰۰). بررسی شبهات مرتبط با آیات جنین در قرآن. دانشگاه آیت الله بروجردی.
- آلوسی، سید محمود. (۱۴۱۵ ق). روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم. چاپ اول. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- البار، محمد علی. (۱۴۱۵ ق). خلق الانسان بین الطب و القرآن. چاپ دهم. عربیة السعودیة: دارالسعودیة.
- بغوی، حسین بن مسعود. (۱۴۲۰ ق). معالم التنزیل فی تفسیر القرآن. تحقیق: عبدالرزاق المهدی. چاپ اول. بیروت: داراحیاء التراث العربی.
- بلخی، مقاتل بن سلیمان. (۱۴۲۳ ق). تفسیر مقاتل بن سلیمان. محقق/عبد الله محمود شحاته. چاپ اول. بیروت: دار احیاء التراث.
- بیضاوی، عبد الله بن عمر. (۱۴۱۸ ق). أنوار التنزیل و أسرار التأویل. محقق/محمد عبد الرحمن المرعشلی. چاپ اول. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- پاک نژاد، سید رضا. (۱۳۵۰ ش). اولین دانشگاه و آخرین پیامبر. اخلاق، تهران
- جهان مهین، شکرالله. (۱۳۹۶ ش). «قرآن و آگاهی از جنسیت جنین (۱)». نشریه درسهای از مکتب اسلام. شماره ۶۷۲، صص ۶۲-۵۳.
- دیاب، عبدالحمید و قرقوز، احمد. (بی تا). مع الطب فی القرآن الکریم. الطبعة السابعة. دمشق: مؤسسه علوم القرآن.
- رضایی اصفهانی، محمد علی و فراهی بخشایش علی اکبر. (۱۳۹۳ ش). «سازگاری قرآن و علوم طبیعی از منظر مستشرقان». قرآن پژوهی خاورشناسان. شماره ۱۶، صص ۱۰۹-۱۴۶.
- رودس رادنی، ریچارد فلانزر. (۱۳۸۴ ش). فیزیولوژی بدن انسان. مترجم: حمید علمی غروی و حسین دانش فر. تهران: مدرسه.
- زحیلی، وهبة بن مصطفى. (۱۴۱۸ ق). التفسیر المنیر فی العقيدة و الشریعة و المنهج. چاپ دوم. بیروت- دمشق: دار الفکر المعاصر.
- زرکشی، محمد بن عبد الله. (۱۴۱۰ ق/ ۱۹۹۰ م). البرهان فی علوم القرآن. چاپ اول. بیروت: دار المعرفة.
- زندانی، عبدالمجید. (۱۴۳۲ هـ ق/ ۲۰۱۱ م). علم الاجنة فی ضوء القرآن والسنة. بیروت: الطبعة الأولى.
- سمرقندی، نصر بن محمد بن احمد. (بی تا). بحر العلوم. محقق/ابو سعید عمر بن غلامحسن عمروی. چاپ اول. بیروت: دار الفکر.
- سها. (۱۳۹۱ ش). نقد قرآن، بی جا: بی نا.
- سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر. (۱۴۰۴ ق). الدر المنثور فی تفسیر المأثور. چاپ اول. قم: کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی.
- شاکرین، حمیدرضا. (۱۳۷۵ ش). قرآن و رویان شناسی، روش شناسی علوم انسانی، شماره ۸، صص ۲۲-۳۳.
- شیر، سید عبد الله. (۱۴۰۷ ق). الجوهر الثمین فی تفسیر الکتاب المبین. محقق/سید محمد بحر العلوم. چاپ اول. کویت: مکتبة الألفین.
- صادقی تهرانی، محمد. (۱۴۱۹ ق). البلاغ فی تفسیر القرآن بالقرآن. چاپ اول. قم: مؤلف.
- طاهر خانی، فاطمه. (۱۳۸۷ ش). «تکنولوژی تعیین جنسیت جنین». نشریه حقوق پزشکی. شماره ۴، صص ۱۶۹-۱۸۶.
- طباطبایی، سید محمد حسین. (۱۴۱۷ ق). المیزان فی تفسیر القرآن. چاپ پنجم. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه ی مدرسین حوزه علمیه قم.

طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۷۲ ش). مجمع البیان فی تفسیر القرآن. محقق/محمد جواد بلاغی. چاپ سوم. تهران: انتشارات ناصر خسرو.

طبری، ابو جعفر محمد بن جریر. (۱۴۱۲ ق). جامع البیان فی تفسیر القرآن. چاپ اول. بیروت: دار المعرفه.

طلوسی، محمد بن حسن. (بی تا). التبیان فی تفسیر القرآن. محقق/احمد قصیر عاملی. چاپ اول. بیروت: دار احیاء التراث العربی.

فیومی، سعید صلاح. (بی تا). الإعجاز الطبی فی القرآن الکریم. چاپ اول. قاهره: مکتبه القدسی للنشر و التوزیع.

قرطبی، محمد بن احمد. (۱۳۶۴ ش). الجامع لأحكام القرآن. چاپ اول. تهران: ناصر خسرو.

مالقی، احمد بن عبد النور. (۱۴۰۵ ق). رصف المبانی فی شرح حروف المعانی. تحقیق أحمد خراط. چاپ دوم. دمشق: دار القلم.

محلی، جلال الدین و جلال الدین سیوطی. (۱۴۱۶ ق). تفسیر الجلالین. چاپ اول. تحقیق: عبدالرحمن بن ابی بکر سیوطی. بیروت: مؤسسه النور للمطبوعات.

مراغی، احمد بن مصطفی. (بی تا). تفسیر المراغی. چاپ اول. بیروت: دار احیاء التراث العربی.

مسترحمی، سید عیسی و گودرزی جواد. (۱۳۹۸). «حرکت خورشید در قرآن و پاسخ به شبهات نوپدید آن»، مجله قرآن و علم. شماره ۲۴. صص ۷۷-۹۴.

مغنیه، محمد جواد. (۱۴۲۴ ق). تفسیر الکاشف. چاپ اول. تهران: دار الکتب الإسلامیه.

مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۴ ش). تفسیر نمونه. چاپ اول. تهران: دار الکتب الإسلامیه.

مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۸۶ ش). پیام قرآن. چاپ نهم. تهران: دار الکتب الإسلامیه.

میبدی، احمد بن محمد. (۱۳۷۱ ش). کشف الاسرار و عدة الابرار (معروف به تفسیر خواجه عبدالله انصاری). به اهتمام: حکمت علی اصغر. چاپ پنجم. ایران- تهران: امیر کبیر.

میثاقی نژاد، مهدی و همکاران. (۱۳۹۴). «جستاری در قرآن با موضوع تعیین جنسیت جنین و اخلاق با رویکرد رفع تعارض علوم تجربی و دین». نشریه پژوهش در دین و سلامت. شماره ۱. صص ۴۳-۵۱.

نخار، کامل. (۱۴۲۵ ه ق). قرائة منهجية للاسلام. طرابلس: ناله للطباعة والنشر.

نور محمدی، غلامرضا. (۱۳۸۸ ش). «مراحل رشد جنین از منظر قرآن». پژوهش های میان رشته ای قرآن کریم. ش ۲. صص ۵۱-۵۶.

نووی جاوی، محمد بن عمر. (۱۴۱۷ ق). مراحل لبید لکشف معنی القرآن المجید. محقق/محمد امین الصناوی. چاپ اول. بیروت: دار الکتب العلمیه.

وی سادلر، توماس. (۱۳۹۴ ش/۲۰۱۵ م). جنین شناسی پزشکی لانگمن. مترجمان: غلامرضا حسن زاده و همکاران. ویرایش سیزدهم. تهران: ابن سینا.